

## خلاصه راز

- راز بزرگ زندگی، قانون جذب است.
- = قانون جذب می‌گوید مشابه‌ها یکدیگر را جذب می‌کنند. بنابراین وقتی فکری را در سر می‌پرورانید، افکار مشابه آن را به ذهن خود راه می‌دهید.
- افکار مثل مغناطیس عمل می‌کنند. در ضمن افکار دارای موج هستند. وقتی فکر می‌کنید، افکار تان در عالم هستی پراکنده می‌شود و به شکل آهنربا آنچه را با موج آنها همخوانی داشته باشد به خود جلب می‌کند. آنچه بیرون فرستاده شود، به منبع، یعنی به شما، باز می‌گردد.
- شما مانند برج انتقال انسانی هستید و با افکار تان موج‌ها را پخش می‌کنید. اگر می‌خواهید چیزی را در زندگی خود تغییر دهید، با تغییر دادن فکر تان موج را تغییر دهید.
- = افکار جاری شما زندگی آینده تان را می‌سازد. هرچه بیشتر به آن فکر کنید، در زندگی تان ظاهر خواهد شد.
- = اندیشه‌های شما صورت خارجی پیدا می‌کند.

## راز به زبان ساده

### مایکل برنارد بکویت

ما در دنیای زندگی می‌کنیم که قوانینی بر آن حاکم است، درست همان‌طور که قانون جاذبه را داریم. اگر از بالای ساختمانی پایین بیفتید، آدم خوبی باشید یا بد، به زمین خواهید خورد.

قانون جذب یکی از قوانین طبیعت است. درست مانند قانون جاذبه. بی‌طرف و غیرشخصی است. دقیق و بی‌کم‌وکاست است.

### دکتر جو ویتال

آنچه در حال حاضر در زندگی تان شما را احاطه کرده، از جمله چیزهایی که با شکایت درباره‌شان حرف می‌زنید، از سوی خود شما جذب شده‌اند. می‌دانم این مطلبی نیست که از شنیدنش خوشحال شوید. مثلاً ممکن است بگویید: «من آن تصادف اتومبیل را جذب نکردم. من این مشتری خاص را که اسباب درد سرم شده است جذب نکردم. من نخواستم که

بدهکار شوم.» متأسفانه باید در جوابتان بگویم چرا، شما این کار را کردید. این یکی از دشوارترین مفاهیمی است که باید درک کنید. اما وقتی آن را پذیرفتید، شما را متحول می‌کند.

اغلب اشخاص وقتی برای اولین بار این بخش از راز را می‌شنوند، به یاد حوادثی در تاریخ می‌افتند که در آن‌ها جمع کثیری جان خود را از دست دادند. به نظرشان درست نمی‌رسد که این همه شخص توانسته باشند خودشان را جذب این حادثه بکنند. بر اساس قانون جذب، آن‌ها باید بسامدی نظیر بسامد حادثه داشته باشند. این بدان معنا نیست که همه به آن حادثه فکر کردند، اما بسامد اندیشه آن‌ها با بسامد حادثه یکسان بود. اگر اشخاص باور کنند که ممکن است در زمان بد در مکان بدی واقع شوند و تسلطی بر اوضاع و احوال بیرونی نداشته باشند، این اندیشه‌های هراس، جدایی، و نداشتن قدرت اگر مصر و مستمر باشد، ممکن است آن‌ها را در زمان نامناسب به نقطه نامناسبی بکشاند.

شما در حال حاضر امکان انتخاب دارید. می‌خواهید باور کنید که حوادث بر اساس بخت و اقبال است و چیزهای بد در هر لحظه ممکن است اتفاق بیفتد؟ می‌خواهید باور کنید که ممکن است در زمان نامناسب در مکان نامناسبی قرار بگیرید؟ که اختیار اوضاع و احوال دست شما نیست؟

یا می‌خواهید باور کنید و بدانید که تجربه زندگی شما در دست‌های خود شماست و تنها چیزهای خوب می‌تواند به زندگی شما راه پیدا کند، زیرا شما این‌گونه فکر می‌کنید؟ شما امکان انتخاب دارید. و هرآنچه برای فکر کردن انتخاب کنید، در زندگی‌تان صورت خارجی پیدا می‌کند.

هیچ چیزی را تجربه نمی‌کنید مگر آنکه به آن فکر کرده باشید.

### باب دویل

اغلب ما به‌طور ناخودآگاه جذب می‌کنیم. احساس می‌کنیم اختیاری بر آن نداریم. احساسات و اندیشه‌ها شکل خودکار دارند و ما بی‌آنکه خود بدانیم، همه چیز را جذب خود می‌کنیم.

هیچ‌کس آگاهانه چیزی را که نمی‌خواهد جذب نمی‌کند. بدون آگاهی از راز، به آسانی می‌توان دید که چیزهای ناخواسته‌ای در زندگی شما و یا دیگران ایجاد شده است. این ناشی از عدم آگاهی درباره قدرت عظیم و خلاق اندیشه‌هایمان است.

### دکتر جو ویتال

اگر اولین بار است که چنین چیزی می‌شنوید، ممکن است احساس کنید: «باید بر افکارم مسلط شوم» کار زیادی می‌برد.» ممکن است در شروع این‌گونه به نظر برسد، اما لطفش هم از همین جا شروع می‌شود.

نکته جالب این است که برای رسیدن به راز، راه‌های میانبر متعددی وجود دارد. شما باید راه‌های میانبری را انتخاب کنید که برایتان بهترین باشد. بقیه مطلب را بخوانید تا از چگونگی آن آگاه شوید.

## مارسی شیموف

نویسنده، سخنران بین‌المللی، و رهبر تحول‌زایی

غیرممکن است که همه اندیشه‌هایمان را وارسی کنیم. پژوهشگران می‌گویند روزی شصت هزار اندیشه به ذهنمان خطور می‌کند. می‌توانید تصور کنید مهار شصت هزار اندیشه در روز چقدر دشوار است؟ خوشبختانه راه ساده‌تری وجود دارد، و آن توجه کردن به احساسات است. احساسات به ما می‌گویند که به چه فکر می‌کنیم.

درباره اهمیت احساسات هرچه بگوییم، کم گفته‌ایم. احساسات شما بزرگ‌ترین ابزار شما هستند تا زندگی خود را خلق کنید. اندیشه‌های شما علت اصلی همه چیزند. هر چیز دیگری که در این دنیا ببینید و تجربه کنید، معلول است. احساسات شما هم از این قاعده مستثنی نیست. علت همیشه اندیشه‌های شماست.

## باب دوید

احساسات برکاتی هستند که از طریق آن‌ها می‌توانیم به افکارمان پی ببریم.

احساسات به سرعت به شما می‌گویند که چه فکری در سر دارید. به این فکر کنید که احساسات شما چگونه ناگهان به هم می‌ریزد. شاید زمانی باشد که خیر بدی می‌شوید. بنابراین احساسات شما بلافاصله به شما علامت می‌دهد تا بدانید به چه فکر می‌کنید.

باید از احساسات خود آگاه شوید، زیرا این سریع‌ترین راه پی بردن به اندیشه‌ای است که در سر دارید.

## لیزا نیکولز

احساسات شما بر دو نوعند: احساسات خوب و احساسات بد. تفاوت میان این دو را می‌دانید، زیرا یکی از آن‌ها به شما احساس خوب و دیگری به شما احساس بد می‌دهد. افسردگی، خشم، رنجش، و احساس گناه، این‌ها احساساتی هستند که به شما احساس قدرت نمی‌دهند. این‌ها احساسات بد هستند.

کسی نمی‌تواند به شما بگوید که احساسات خوب دارید یا احساسات بد، زیرا شما تنها کسی هستید که می‌دانید در هر لحظه چه فکری در سر دارید. اگر مطمئن نیستید که چه احساسی دارید، فقط از خودتان پرسید: «چه احساسی دارم؟» می‌توانید در روز چند بار این را از خود پرسید. این‌گونه، از احساسی که دارید آگاه‌تر می‌شوید.

مهم‌ترین نکته‌ای که باید بدانید این است که غیرممکن است هم‌زمان احساس بد و اندیشه خوب داشته باشید. اگر این‌طور باشد، قانون زیر پا گذاشته می‌شود. زیرا اندیشه‌های شما احساسات شما را به وجود می‌آورد. اگر احساس بدی دارید، علتش این است که به چیزهایی فکر می‌کنید که به شما احساس بد می‌دهد.

اندیشه‌های شما بسامد شما را تعیین می‌کند و احساسات شما بلافاصله به شما می‌گویند که در چه بسامدی قرار دارید. وقتی احساس بدی دارید، در بسامدی هستید که بیشتر چیزهای بد را به خود جلب می‌کنید. قانون جذب چیزهایی را به شما برمی‌گرداند که احساس بدی می‌دهد.

وقتی احساس بدی دارید و تلاشی برای تغییر دادن افکار خود نمی‌کنید تا به احساس بهتری برسید، در واقع می‌گویید: «موقعیت‌های بیشتری را نصیب من کن که به من احساس بد بدهد.»

### لینا نیکولز

نقطه‌مقابل این است که احساسات و عواطف خوشایندی داشته باشید. وقتی در این حالت قرار می‌گیرید از آن آگاهی پیدا می‌کنید، زیرا به شما احساس خوبی می‌دهد. هیجان، شادی، نشاط، قدرشناسی، و عشق نمونه‌هایی هستند که می‌توانیم به آن‌ها اشاره کنیم. فکرش را بکنید اگر همه‌روزه می‌توانستیم چنین احساسی داشته باشیم چقدر خوب بود. وقتی احساس خوب دارید، احساسات خوب بیشتری را به جانب خود می‌کشید، و این به شما احساس بهتری می‌دهد.

### باب دویل

به راستی که ساده است. «در حال حاضر چه چیزی را جذب می‌کنم؟» خب، چه احساسی دارید؟ «احساس خوبی دارم.» بسیار خب، به کارتان ادامه بدهید.

امکان ندارد در آن واحد هم احساس خوبی داشته باشید و هم افکارتان منفی باشد. اگر احساس خوبی دارید، به این دلیل است که افکار خوبی در سر می‌پرورانید. می‌توانید آنچه را در زندگی می‌خواهید به دست آورید. محدودیتی در کار نیست. اما به این نکته توجه کنید که باید احساس خوب داشته باشید، و وقتی به این موضوع فکر می‌کنید، در واقع همان چیزی نیست که می‌خواهید؟ این قانون به راستی که بی‌کم‌وکاست است.

### مارسی شیموف

اگر احساس خوبی دارید، برای خود آینده‌ای می‌سازید که طبق خواسته شماست. اگر احساس بدی دارید، آینده‌ای خلق می‌کنید که با خواسته‌هایتان همخوانی ندارد. وقتی روزتان را می‌گذرانید، قانون جذب هر لحظه در کار است. آنچه می‌اندیشیم و احساس می‌کنیم، آینده ما را خلق می‌کند. اگر نگرانید یا در هراس به سر می‌برید، طی روز بر نگرانی خود می‌افزایید.

وقتی احساس خوبی دارید، حتماً اندیشه‌های خوب در سر می‌پرورانید. این‌گونه سبب می‌شوید چیزهای خوب بیشتری جذب شما شود. به لحظات خوب و خوش خود دقیق شوید. بدانید وقتی احساس خوبی دارید، به طرز قدرتمندانه چیزهای بهتری را جذب خود می‌کنید.

اجازه بدهید قدمی فراتر برداریم. اگر احساسات شما در واقع ارتباطی از سوی عالم هستی باشد که به شما بگوید در چه اندیشه‌ای هستید چه؟

### جک کانفیلد

احساسات ما سازوکاری بازخوردی هستند که به ما می‌گویند در مسیر درست حرکت می‌کنیم یا نه.

به خاطر داشته باشید که اندیشه شما علت اصلی همه چیزهاست. بنابراین وقتی روی فکری دقیق و متمرکز می‌شوید، بلافاصله آن را به عالم هستی می‌فرستید. این اندیشه به‌طور معجزه‌گونه‌ای بسامد نظیر خود را پیدا می‌کند و بعد در عرض چند لحظه آن را از طریق احساس به شما باز می‌گرداند. به عبارت دیگر، احساسات شما ارتباطی هستند که از ناحیه عالم هستی به شما می‌رسند و می‌گویند که روی چه بسامدی قرار دارید.

وقتی احساس خوبی دارید، این پاسخی از سوی عالم هستی است که می‌گوید: «فکر خوبی در سر داری.» به همین شکل وقتی احساس بدی دارید، ارتباطی از ناحیه عالم هستی با شما برقرار می‌شود که می‌گوید: «فکر بدی در سر داری.»

این بار که احساس خوبی نداشتید یا احساسات منفی به سروقتان آمد، به علائمی که از عالم هستی دریافت می‌کنید توجه کنید. در این زمان راه رسیدن احساسات خوب به وجود شما مسدود شده است. افکارتان را عوض کنید و به موضوعی خوب و جالب بیندیشید. وقتی احساس خوب به جانبان سرازیر شد، متوجه ورود آن می‌شوید، زیرا خود را به جانب بسامد جدیدی سوق داده‌اید و عالم هستی آن را با احساس بهتر تأیید کرده است.

### باب دویل

آنچه را احساس کنید دریافت می‌کنید. نه آنچه رایبندیشید خیلی‌ها مسکن است صبح خود را با روحیه بدی شروع کنند. آن‌ها متوجه نیستند که با کمی تغییر احساسات، می‌توانند همه روز و همه زندگی خود را متحول سازند.

اگر صبح را با روحیه خوبی آغاز کنید و احساس خوبی داشته باشید، طبق قانون جذب نا زمانی که اجازه ندهید چیزی روحیه شما را خراب کند، موقعیت‌ها و اشخاص بهتر و جالب‌تری را به خود جلب می‌کنید.

همه ما مواقعی را تجربه کرده‌ایم که مشکلات یکی پس از دیگری رخ می‌نماید. این زنجیره واکنش با یک اندیشه شروع شده است، چه متوجه باشید و چه نباشید. هر اندیشه بد، اندیشه بد دیگری را جلب می‌کند، و سرانجام مشکلی بروز می‌کند. بعد وقتی به آنچه مشکل‌زا شده واکنش نشان می‌دهید، اشکالات بعدی از راه می‌رسد. به عبارت دیگر، واکنش‌های شما حالات منفی بعدی را به شما جلب می‌کند.

می‌توانید افکار خود را به آنچه می‌خواهید تغییر دهید و از طریق احساسات خود به تأییدی که می‌خواهید برسید. وقتی در موقعیت بسامدی جدید قرار می‌گیرید، قانون جذب به این بسامد جدید توجه می‌کند و آن را به عنوان تصاویر جدید زندگی‌تان به سوی شما بازپس می‌فرستد.

حالا در موقعیتی قرار می‌گیرید که احساسات خود را مهار کنید و از آنها برای رسیدن به آنچه در زندگی می‌خواهید، استفاده نمایید.

می‌توانید آگاهانه از احساسات خود برای انتقال بسامدی قدرتمندتر استفاده کنید.

### مایکل برنارد بکویت

می‌توانید از همین حالا احساس سلامتی کنید. می‌توانید احساس موفقیت کنید. می‌توانید مهر و عشقی را که شما را احاطه کرده است احساس کنید، حتی اگر در حال حاضر وجود خارجی نداشته باشد. اتفاقی که می‌افتد این است که عالم هستی به طبیعت سرود شما واکنش مثبت نشان می‌دهد. عالم هستی به طبیعت آن احساس درونی واکنش نشان می‌دهد. زیرا این احساسی است که شما دارید.

با این حساب، شما در این لحظه چه احساسی دارید؟ لحظه‌ای به احساس خود توجه کنید. اگر به آن اندازه که می‌خواهید احساس خوبی ندارید، به احساسی که در درون خود دارید توجه کنید و آگاهانه این احساس را بهتر کنید. وقتی به اندازه کافی روی احساسات خود دقیق شوید تا به احساسات و روحیه بهتری برسید، می‌توانید قدرتمندانه بر حال خوش خود بیفزایید. راهی برای این کار است که چشمانتان را ببندید، به احساسات درونی خود دقیق شوید، و به مدت یک دقیقه تبسم کنید.

### لیزا نیکولز

اندیشه‌ها و احساسات شما زندگی‌تان را خلق می‌کنند. همیشه این‌گونه خواهد بود. شک نکنید.

درست مانند قانون جاذبه، قانون جذب هرگز حالت وجودی خود را از دست نمی‌دهد. هرگز نمی‌بینید که یک خوک به پرواز درآید. آن هم به این دلیل که قانون جاذبه آن روز به اشیاء فراموش کرده قانون خود را مسمول خوک‌ها کند. به همین شکل، استثنایی بر قانون جذب وجود ندارد. اگر به چیزی به اندازه کافی فکر کنید، به آن دست می‌یابید. قانون جذب درست و دقیق کار می‌کند.

### مایکل برنارد بکویت

ممکن است درکش دشوار باشد، اما اگر با آغوش باز به این قانون تبسم کنیم، از کاربردش مطمئن می‌شویم. معنایش این است که هر تأثیری که اندیشه تاکنون بر شما باقی گذاشته است، می‌تواند با تغییر آگاهی‌تان از بین برود.

شما از قدرت آن برخوردارید که همه چیز را تغییر دهید، زیرا شما هستید که اندیشه‌های خود را انتخاب می‌کنید. شما هستید که احساسات خود را احساس می‌کنید.

شما هستید که با حرکت خود دنیای‌تان را خلق می‌کنید.

— ونستون چرچیل

## دکتر جو ویتال

به واقع مهم است که احساس خوبی داشته باشید، زیرا این حال خوب به شکل علامتی در عالم هستی پخش می‌شود و احساس خوش بیشتری برایتان به ارمغان می‌آورد. بنابراین هرچه بیشتر بتوانید احساس خوبی داشته باشید، بیشتر چیزهایی را به خود جلب و جذب می‌کنید که شما را به حال خوب بیشتر می‌رساند.

## باب پراکتور

می‌دانید که وقتی احساس خوبی ندارید، می‌توانید در لحظه‌ای به احساس خوب برسید؟ نواز موسیقی دلنشینی پخش کنید و شروع به خواندن آواز کنید - این احساس شما را تغییر می‌دهد. یا به چیز زیبایی بیندیشید. به کودکی یا کسی بیندیشید که او را به واقع دوست دارید. روی این اندیشه باقی بمانید. راه ورود هر فکر دیگری را به جز این اندیشه به ذهنتان مسدود کنید. تضمین می‌کنم که به احساس خوب برسید.

فهرستی از «تغییر دهندگان راز» تهیه کنید. منظوم از تغییر دهندگان راز، چیزهایی است که می‌تواند بلافاصله احساسات شما را تغییر دهد. این می‌تواند شامل خاطراتی شیرین، حوادث آتی، لحظات شاد، طبیعت، کسی که او را دوست دارید، و یا موسیقی مورد علاقه‌تان باشد. بعد اگر احساس کردید عصبانی هستید، ناراحتید، و یا حال خوبی ندارید، به فهرست

«تغییر دهندگان راز» خود مراجعه کنید و روی یکی از افلام آن دقیق شوید. در اوقات مختلف چیزهای متفاوتی روحیه شما را تغییر می‌دهد. از این رو اگر یکی از مواردی که نوشته‌اید به شما روحیه بهتری نداد، سر وقت تغییر دهنده بعدی بروید. بیش از یک تا دو دقیقه طول نمی‌کشد که خودتان و بسامد خود را تغییر دهید.

## عشق: عظیم‌ترین احساس

### جیمز ری

فیلسوف، سخنران، نویسنده، و خالق برنامه‌های

موفقیت و دستیابی به توانمندی‌های بالقوه انسانی

اصل حال خوب، حتی در مورد حیوانات دست‌آموز هم مصداق دارد. حیوانات موجودات شگفت‌انگیزی هستند، زیرا به شما احساس خوشایندی می‌دهند. وقتی احساس می‌کنید حیوان دست‌آموزتان را دوست دارید، این دوست داشتن زندگی شما را بهتر می‌کند، و به راستی که این چه موهبتی است.

«ترکیب اندیشه و عشق است که نیروی مقاومت‌ناپذیر

قانون جذب را صورت خارجی می‌بخشد.»

— چارلز هائل

در تمام عالم هستی، نیرویی قدرتمندتر از نیروی عشق وجود ندارد. احساس عشق بالاترین ارتعاشی است که می‌توانید از خود ساطع کنید. اگر

توانید هر اندیشه را در عشق بیچید، اگر بتوانید همه چیز و همه کس را دوست بدارید، زندگی تان منحول می شود.

در واقع برخی از بزرگترین متفکران گذشته، قانون جذب را قانون عشق نام نهاده اند. اگر خوب به آن فکر کنید، علتش را می فهمید. اگر نسبت به کسی اندیشه نامهربانانه داشته باشید، خودتان این نامهربانی را تجربه می کنید. نمی توانید با اندیشه های خود به دیگران آسیب بزنید. تنها می توانید به خودتان لطمه وارد کنید. اگر اندیشه های عاشقانه در سر پیورایتید، فکر می کنید چه کسی سود آن را می برد؟ خود شما. بنابراین اگر احساس عشق در شما غالب باشد، قانون جذب یا قانون عشق با بیشترین توانمندی وارد عمل می شود، زیرا شما در سطح بالاترین ارتعاشات قرار دارید. هرچه عشقی که احساس می کنید بیشتر باشد، هرچه عشق بیشتری به دنیا بدهید، از قدرت بیشتری برخوردار می گردید.

«اصلی که سبب می شود اندیشه از قدرتی عظیم برخوردار شود و روی تجارب ناخوشایند انسان تأثیر بگذارد، قانون جذب است، که در واقع اسم دیگر عشق است. این اصلی جاودانه و اصولی است که در همه امور وجود دارد، در هر فلسفه و دینی و در هر علمی وجود دارد. کنار گذاشتن قانون عشق غیرممکن است. این احساس است که به اندیشه حیات می بخشد، احساس یک میل است، و میل همان عشق است. اندیشه وقتی با عشق در هم می آمیزد، آسیب ناپذیر می شود.»

— چارلز هانل

### مارسی شیموف

وقتی بر اندیشه ها و احساسات خود مسلط می شوید و آن ها را درک می کنید، حقیقت خود را می آفرینید. این همان جایی است که آزادی شما در آن قرار دارد. همان جایی است که همه قدرت شما در آن نهفته است.

مارسی شیموف به نقل قولی عالی از آلبرت اینشتین بزرگ اشاره دارد: «مهم ترین سؤالی که هر انسان می تواند از خود بکشد این است: «آیا دنیای ما دوستانه و مهربان است؟»

وقتی قانون جذب را درک کنیم، تنها جوابی که می توانیم به این سؤال بدهیم این است: «بله، دنیا دوستانه است.» چرا؟ زیرا وقتی به این شکل جواب می دهید، طبق قانون جذب باید آن را تجربه کنید. آلبرت اینشتین از آن جهت این سؤال را مطرح کرد که از راز خیر داشت، او می دانست با طرح این پرسش، همه ما به فکر کردن مجبور می شویم و انتخابی می کنیم. او با طرح این سؤال به ما فرصتی عالی داد.

اگر بخواهیم قصد و نیت اینشتین را بیشتر بسط بدهیم، می توانیم بگوییم: «دنیایمان عالی و بی کم و کاست است، این دنیا همه چیزهای خوب را به من ارزانی می کند. عالم هستی در هر کاری که می کنم یار و یاور من است. تمام نیازهایم را بلافاصله برآورده می سازد.» بدانید که عالم هستی، دوستانه و مهربان است.



### جک کانفیلد

از زمانی که راز را آموختم و در زندگی ام مورد استفاده قرار دادم، زندگی ام به راستی متحول شده است. فکر می‌کنم زندگی ای که همه خوابش را می‌بیند، چیزی شبیه زندگی من است. من در فصری چهار و نیم میلیون دلاری زندگی می‌کنم. زنی دارم که او را به شدت دوست دارم. برای تعطیلات به زیباترین نقاط جهان سفر می‌کنم. از کوه‌ها بالا می‌روم و سیاحت می‌کنم. به صحراها سفر می‌کنم. همه این‌ها از آن جهت اتفاق افتاده که می‌دانم از راز چگونه استفاده کنم.

### باب پراکتور

زندگی می‌تواند عالی باشد، و باید هم این‌طور باشد، و این‌طور هم خواهد بود - فقط کافی است از راز استفاده کنید.

این زندگی شخص شماست، و منتظر بوده که شما آن را کشف کنید! ممکن است تاکنون فکر کرده باشید زندگی بسیار دشوار است، و بنابراین تحت تأثیر قانون جذب، زندگی دشواری را تجربه کرده باشید. از همین حالا شروع کنید و به عالم هستی ندا سر دهید: «زندگی خیلی آسان است. زندگی چیز خوبی است. همه چیزهای خوب نصیب من می‌شود.»

حقیقتی در اعماق وجود شما نهفته است که منتظر است تا آن را کشف کنید. و آن حقیقت این است: شما شایسته همه چیزهای خوب زندگی هستید. این را در ذات و درون خود می‌دانید، زیرا وقتی این خوبی‌ها و

مواهب را تجربه نمی‌کنید، حال و روز بدی پیدا می‌کنید. تمام چیزهای خوب، حق مادرزادی شما هستند! شما باید که خودتان را ایجاد می‌کنید. قانون جذب ابزاری شگفت‌انگیز در اختیار شماست تا به آنچه در زندگی می‌خواهید برسید. به جادوی زندگی خوش آمدید!

## خلاصه راز

- قانون جذب، قانون طبیعت است. این قانون هم مانند قانون جاذبه، در هر حالتی وجود دارد.
- تا به چیزی فکر نکنید، آن را تجربه نمی کنید.
- برای اینکه بدانید در چه اندیشه‌ای به سر می برید، از خود پرسید چه احساسی دارید. احساسات ابزاری ارزشمند هستند که بلافاصله اندیشه‌ها را بر ملا می سازند.
- امکان ندارد که به طور هم‌زمان افکار خوب و احساسات بد داشته باشید.
- اندیشه‌های شما بسامد شما را مشخص می سازد. و احساسات شما بلافاصله به شما می گوید که در چه بسامدی قرار دارید. وقتی احساس بدی دارید، در بسامدی قرار دارید که چیزهای بد را به سوی خود می کشانید. وقتی احساس خوشایندی دارید، به شکلی قدرتمندانه چیزهای بهتری را به سوی خود جذب می کنید.
- تغییر دهندگان راز، مانند خاطرات خوش، طبیعت، و یا موسیقی مورد علاقه تان، می تواند احساسات شما را تغییر بدهد و در یک لحظه شما را در بسامد جدیدی قرار دهد.
- احساس عشق بالاترین بسامدی است که می توانید ساطع کنید. هرچه عشق بیشتری احساس کنید، و آن را به سوی دنیا بفرستید، از قدرت بیشتری برخوردار می گردید.

## چگونه از راز استفاده کنیم

شما فردی خلق کننده اید، و با استفاده از قانون جذب می توانید به راحتی خلق کنید. بزرگ ترین معلمان و معنویون، در آثار کم نظیر خود این فرایند خلافی را با ما در میان گذاشته اند. بعضی از معلمان و مرشدان بزرگ داستان هایی خلق کردند تا نشان بدهند دنیا چگونه کار می کند. درایت حکایات آنان طی اعصار و قرون به افسانه و حماسه تبدیل شده است. بسیاری از مردم روزگار ما نمی دانند که جوهر این حکایات، حقیقت زندگی است.

### جیمز ری

اگر به علاءالدین و چراغش فکر کنید، وقتی علاءالدین چراغ را برمی دارد و گرد و خاک روی آن را پاک می کند، غولی از آن بیرون می آید. غول همیشه یک حرف را می زند:

«فرمانبر دارم، ارباب!»

داستان به این شکل ادامه پیدا می کند که سه آرزو وجود دارد، اما اگر به اصل ماجرا برگردید، می بینید که محدودیتی برای آرزوها وجود ندارد.